

هول هلمی در کارخانه رؤیاسازی

مهرداد خدیبر
معاون سردبیر

روحانی نادرست و پراشتیابه دعای تحویل سال در شامگاه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ در اختتامیه جشنواره فیلم فجر از زبان رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد، آن قدر بازنتاب و واکنش داشته و اسباب انبساط خاطر را فراهم آورده که بخش دیگر سخنان آقای محمد خزاعی به حاشیه رفته است.

هر چند «خول حالنا الی احسن الحال» آن قدر در حافظه ایرانیان خوش نشسته که سواد سمعی هم کفایت می کند و نیاز به خواندن از روی متن نیست؛ مگر آنکه «هول» به جای «خول» را در ردیف «هوله» و «هولیم» به جای «حوله» و «حلیم» قرار دهیم که شکل درست و پارسی آنهاست و البته بخشی از خطاهای نواصول گرایی ایرانی خاصه در ۳۰ ماهه اخیر می تواند ناشی از افتادن در دیکر از هول هلمی قدرت یک دست باشد. آن بخش دیگر که به خاطر دعای تحویل سال به حاشیه رفت، دفاع از سینمای ارگانی با حمایت ویژه و صرف بودجه های کلان بود که در توجه آن به سینمای دهه ۶۰ گریز زده شد با نام بردن از زنده یاران عباس کیارستمی و داریوش مهرجویی و نیز بهرام بیضایی که گفت: «آثار بزرگ آنان هم با بودجه نهادها و سازمان ها تولید شد.» هر چند این سخن را نمی توان نادرست خواند اما آیا نهاد های خاص به بزرگان سینمای ایران سفارش می دادند و آنها تولید می کردند یا برای اجرایی کردن طرح و ایده خود از سازمان ها و نهاد هایی که باید از سینمای مستقل حمایت می کردند، یاری می گرفتند؟ آیا در آن زمان به جز بنیاد فارابی و نهاد های سینمایی، دیگران و بسا بودجه های کلان به رقابت با بخش خصوصی برخاسته بودند یا آن حمایت ها خاصه در دوران مسئولیت سید محمد بهشتی و فخرالدین انوار برای مراقبت از نهالی بود که به جای فیلم فارسی غرس شده بود و نیاز به مراقبت داشت؟

انتقاد از روند جاری به خاطر انجام وظایف قانونی نیست. به چند دلیل دیگر است: نخست اینکه پول و سرمایه های کلان در رقابت با بخش خصوصی وارد میدان شده و این با تفسیر موسع اصل ۴۴ قانون اساسی سازگار نیست. دوم اینکه، برخی از حامیان ارگانی سودای تولید فیلم های هالیوودی و پرهزینه را دارند در حالی که کیارستمی سینمای دیگری را بنا گذاشت و همان مسیر پیش از انقلاب و تولید فیلم با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را ادامه داد. آقای خزاعی در کنار بخش خصوصی سینما از حوزه هنری، بنیاد روایت، سازمان شهرداری، کانون و مجموعه بیان تشکر کرده است. فهرستی که نشان می دهد تولید فیلم در سینمای ایران در جاهایی نه از قاعده هنر تبعیت می کند، نه صنعت و نه تجارت.

اگر هنر باشد، بازگشت به فیلم فارسی با ادعای کم دی و طنز موجه نیست و از منظر صنعت چاره ساز و کار آن با اقتضانات صنعت سازگار نیست و اگر تجارت، چرا نمی گذارند در فضای رقابتی انجام شود؟

بخش امیدوارکننده سخنان رئیس سازمان سینمایی، آمار ساخت ۲۵۰ سالن تنها طی دو سال گذشته بوده و اینکه تا ۱۴۰۴ به هزار سالن می رسد.

مهم ترین نقد بر رویکرد سینما در دولت ابراهیم رئیسی این نیست که برخی سازمان ها به تولید فیلم روی آورده اند چرا که بهر حال بخشی از خانواده سینما را مشغول می کند. این است که تصور می کنند، می توانند بی توجه به تجربه های پیشینیان، فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند در حالی که هر فیلم تازه خود یک اتفاق است و کافی است بگذارند نویسنده و فیلمساز کار خودشان را انجام دهند.

حرف درست همان است که علی حاتمی بر زبان کمال الملک نشانده است: «هنر، مزه یلای نیست که هر سال محصول بهتری داشته باشد. در کواکب آسمان هم یکی می شود ستاره خشان و الباقی همه سوسو می زنند.» کیارستمی، بیضایی و مهرجویی «آن» می داشتند و اگر هم باری دستگهی دولتی را دریافت کردند اولاً وظایف آن دستگاه برای همین منظور تعریف شده بود. ثانیاً رابطه وزارت ارشاد در سال های ۶۱ تا ۷۱ با هنرمندان متقابل بود و سفارش در کار نبود یا همه موارد چنین نبود. البته ناشر نباید بود و همین که چراغ سینما روشن است و جشنواره برگزار می شود، مغتنم است امروز می توان از جشن گرفتن سینمای ایران سخن گفت که خود صنف سینما برگزار و دولت پشتیبانی کند بی آنکه به چشم بیاید و توقعی طلب کند، نهادهای خاص اگر هم بودجه ای اختصاص می دهند در راستای پروژه های تعریف شده برای همان دستگاه باشد تا سینماگران به جای دغدغه مجوزهای گونه گون به رویایی بیاندیشند که قرار است بر پرده نقره ای و نمایش گرهای دیگر نقش بندد. سینما، کارخانه رؤیاسازی در رقابت سالم است، نه بنگاهی برای پولشویی و نه پوششی برای هر هدف دیگر.

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی نبار، حرفه جینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژنسی ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژنسی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



پوپولیسم یا ژورنالیسم؟

درباره تاک شوی تاکر کارلسن با ولادیمیر پوتین

و تحلیل هایی که در فضای سیاسی و رسانه ای در پی داشته است



فرهاد محرابی

پژوهشگر فلسفه ای سیاسی

خود می داند را به مخاطب انتقال دهد. در واقع در بخش هایی از این گفت و گوی دوساعته، کار به تملق از پوتین و تمجید از او نیز می کشید. کارلسن در واقع آنقدر از فرصتی که برای مصاحبه با رهبر روسیه به دست آورده بود هیجان زده بود که یادش می رفت برای چه آنجا نشسته است.

اما پوتین از فرصت آن مصاحبه استفاده کرد تا چند نکته ای اساسی را به مخاطبان غربی اش منتقل کند: او گفت روسیه خواهان مذاکره است اما زلنسکی که گوش به فرمان رهبران ناتو و خصوصاً امریکاست قادر به انجام این کار نیست. گفت زلنسکی اراده ای انجام مذاکرات صلح را ندارد. بعد اضافه کرد که روسیه و اوکراین در آوریل ۲۰۲۲ در استانبول به توافق صلحی دست پیدا کرده بودند که بر مبنای آن دونباس با حدی از خودمختاری در درون اوکراین باقی بماند و روسیه نیز برای نشان دادن حسن نیت، نیروهایش را از کی یف عقب کشید. کار تقریباً تمام شده بود اما زلنسکی در نهایت بعد از اینکه بوریس جانسون وارد داستان شد و قول داد که اوکراین تمام منابع مالی و سلاح های مورد نیاز برای ادامه جنگ را خواهد داشت، از توافق منصرف شد.

پوتین به زمینه ای تاریخی ماجرا اشاره کرد و گفت، روسیه و اوکراین همواره یک کشور بوده اند و دلیل جدایی فعلی نیز وجود ناتو است و بدون این سازمان تمام مشکل حل خواهد شد. پوتین گفت، غرب اوکراین بخشی از سرزمین تاریخی روسیه نبوده، بنابراین امریکا و متحدانش می توانند به غرب اوکراین بسنده کنند و شرق اوکراین که بخشی از روسیه ای تاریخی است را به مسکو بپسارند. (روح امپریالیستی صحبت های رئیس جمهوری روسیه در همین بخش های صحبت کاملاً عیان بود). پوتین به تأکید گفت که در زمان کلیتین و پوتین پسر، امکان مصالحه ای روسیه با غرب و ادغام روسیه در سازوکار سیاسی-اقتصادی اروپا وجود داشت. روسیه در زمان کلیتین پذیرفت که حتی بخشی از ناتو باشد و در زمان پوتین پسر، دو کشور در مورد توقف مداخله ایالات متحده در چین توافق کردند. اما در نهایت در نظر پوتین، رهبران امریکا شجاعت و توانایی یابندی به توافقاتشان را نشان دادند و آن مسئله ما را به نقطه ای کنونی رسانده است. پوتین سپس به کودتای ایالات متحده و اروپا ضد دولت قانونی یانوکویچ در فوریه سال ۲۰۱۴ اشاره کرد.

یانوکویچ از اعضای پیمان تجارت آزاد اروپا منصرف شده بود و روسیه نزدیک تر می شد و این زمینه ساز کودتای غرب بر ضد او و در نهایت تجاوز روسیه به اوکراین شده بود. (طبیعتاً پوتین در اینجا علاقه نداشت به فساد گسترده ای جناح طرفدار روسیه در اوکراین و الیکاراش های اوکراینی پیرامون یانوکویچ اشاره کند. کارلسن هم طبیعتاً سؤالی در این مورد نپرسید).

توهم خبرنگاری مستقل

طبیعی است که البته تفسیر پوتین از زمینه جنگ فعلی در اوکراین روایتی است بیشتر مطلوب روسیه؛ هر چند عناصری بارز از واقعیت رانیز در خود دارد. عناصری که رسانه های عمده در غرب، نه می خواهند، نه اجازه دارند که بگویند. اینکه افراد و نهادهایی در ساختار سیاست گذاری کشورهای اروپایی-خصوصاً آلمان طی چند روز گذشته خواستار آن هستند تا تحریم هایی بر ضد شخص تاکر کارلسن اعمال شود هم، البته از طنزهای ماجراست. در واقع ناراحتی آنها از این است که چگونه خبرنگاری خارج از خبرنگاری های مورد تأیید آنها جرأت کرده تا روایت و تفسیری مغایر با نظرگاه رسمی غرب و رهبران ناتو را بازتاب دهد. کل قضیه به یک شوی تلویزیونی جذاب می ماند (پوتین نیز در ابتدای مصاحبه به طعنه از کارلسن پرسید که آیا این یک مصاحبه است یا یک شوی تلویزیونی؟). غرب از این ناراحت است که «انتصار رسانه های اش»، به خاطر این مصاحبه در مورد مهم ترین موضوع جاری در سیاست اروپا (جنگ اوکراین) شکسته شده و پوتین و حامیان تجاوز خاتمان سوز به اوکراین خوشحال اند که حالا صدایی در فضای رسانه ای غرب یافته اند و از همه خوشحال تر، البته کارلسن است که می پندارد با این مصاحبه دارد جای خالی خبرنگاران تحقیقی ای چون جان بیلجر و ژولیان آسانژ را می گیرد. تمام ماجرا اما جز یک بده بستان رسانه ای بین راست افراطی در امریکا به رهبری ایلان ماسک، جناح تندروی حزب جمهوری خواه و حامیان ترامپ که به دنبال معامله با پوتین اند از یک سو و طرفداران توسعه طلبی روسی در سوی دیگر، نبوده و نیست.

آنچه مسلم است روح خبرنگاری مستقل در جهان، که هم منتقد سیاست های مداخله جویانه ای ناتو در شرق اروپا است، هم منتقد جنایت های روسیه در اوکراین، ارتباطی با تاک شوی پوپولیستی پوتین- کارلسن ندارد.

چرایی این مصاحبه

دفتر ولادیمیر پوتین از میان انبوه درخواست های رسانه های غربی برای انجام مصاحبه، تنها به درخواست کارلسن جواب مثبت داد. در دوسالی که از آغاز جنگ در اوکراین می گذرد، ولادیمیر پوتین درخواست های گفت و گو با عمده ترین خبرنگاری های غربی را رد کرده بود. دلیل روشن بود: پوتین می خواست تصویر مطلوب خود از جنگ اوکراین و رابطه با غرب را به دنیا نشان دهد و بی بی سی؛ سی ان ان و سایر شبکه های بزرگ غربی به مثابه بازوهای اصلی پروپاگاندای غرب نمی توانستند مطلوب او باشند، آن روز که آنها نیز صرفاً به دنبال آن بودند تا تصویر مطلوب ایالات متحده و متحدانش را به جهان ارائه دهند. بنابراین یک مصاحبه که هم برای کرملین کننده باشد و هم برای پروپاگاندای غرب، تقریباً غیر ممکن بود. پوتین اما در راستی گرایی امریکا که کارلسن بی شک مهم ترین نماینده ای آن است، فرصتی را یافت که می توانست در آن کامل تر و راحت تر با مخاطب غربی ارتباط برقرار کند. راست افراطی در امریکا و گفتمان ترامپ نیز که چین را دشمن اصلی خود می داند و به دنبال تنش زدایی بیشتر با مسکو است، طبیعتاً نزدیک به پوتین و همراه کردن او با خود را در بلندمدت به نفع سیاست های تبلیغاتی اش در ماه های منتهی به انتخابات سرنوشت ساز پاییز امسال به شمار می آورد؛ انتخاباتی که دونالد ترامپ به احتمال بسیار زیاد در آن برنده خواهد بود.

پوتین چه گفت؟

اما مصاحبه ای کارلسن با پوتین، از جهات دیگری نیز جالب توجه بود. اول اینکه این به طور مشخص یک مصاحبه نبود. مجری برنامه در ۹۰ درصد مواقع ساکت و مطیع نشسته بود تا مصاحبه شونده بدون کوچکترین چالشی هر آنچه نظرگاه مطلوب

چهره

روز رفتن فروغ

فروغ فرخزاد، شاعر نامدار، ۵۷ سال پیش در چنین روزی، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۵، در ۳۲ سالگی هنگام رانندگی در سانحه تصادف درگذشت. فروغ، زاده ۸ دی ماه ۱۳۱۳ تهران، پنج دفتر شعر منتشر کرد که از نمونه های شایان شعر معاصر فارسی است. او با مجموعه های «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» در قالب شعر نیمایی کار خود را آغاز کرد، سپس آشنایی با ابراهیم گلستان؛ نویسنده و فیلمساز سرشناس و همکاری با او موجب تحول فکری

و ادبی در فروغ شد. فرخزاد در بازگشت دوباره به شعر، با انتشار مجموعه «تولدی دیگر» تحسین گسترده ای را برانگیخت، سپس مجموعه «ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد» را منتشر کرد تا جایگاه خود را در شعر معاصر ایران به عنوان شاعری بزرگ تثبیت کند. آثار و اشعار فروغ به زبان های انگلیسی، ترکی، عربی، چینی، فرانسوی، اسپانیایی، ژاپنی، آلمانی و عبری ترجمه شده اند. بعد از نیما یوشیج، فروغ در کنار شاملو، اخوان ثالث و سهراب سپهری از پیشگامان شعر معاصر فارسی بودند و نمونه های برجسته و اوج شعر نوی فارسی را پدیدار کردند.



کتابخانه

درک نگاه آرنت به اخلاق

کتاب «مسئولیت و داوری»، نوشته هانا آرنت، تا ترجمه میثم محمدامینی در ۳۱۸ صفحه و با قیمت ۳۰۰ هزار تومان توسط نشر نو منتشر شد. «مسئولیت و داوری»، مجموعه ای است از هشت نوشتار مستقل و پیش تر منتشر نشده از هانا آرنت (۱۹۰۶-۱۹۷۵) که متعلق اند به دهه پایانی عمر او. آرنت در «آیشمان در اورشلیم» این پرسش مهیب را پیش کشید که چطور می شود مردی که نه شیطان است، نه هیولا، عامل اصلی یکی از وحشتناک ترین جنایات تاریخ بشر باشد. «مسئولیت و داوری»، کوشش اوست در واپسین سال های عمر، برای درک معنا و مفهوم این جنبه از ذات بشر.



مسئولیت و داوری

نویسنده:

هانا آرنت

مترجم: میثم

محمدامینی

انتشارات: نشر نو

بشر. در جایی که معیارهای سنتی اخلاق نتوانستند فریخته ترین اعضای جامعه متمدن آلمان را از دست یازیدن به شنيع ترین کارها بازدارند، قوه داوری انسان چطور خیر را از شر و در دست را از نادرست بازمی شناسد؟ از همین مسئله است «مسئولیت و داوری»، اثری بسیار مهم است برای درک نگاه آرنت به اخلاق و همین طور سیاست.

تاریخ

روز جهانی رادیو

از سال ۲۰۱۲ و به تصمیم یونسکو، روز ۱۳ فوریه روز جهانی رادیو است. در دهه های اخیر رادیو رسانه های رقیب قدرتمندی را در برابر خود می بیند. با این همه، هنوز رادیو با هزارها در همه جوامع حضور دارند و افزایش رادیو های نیز نشان می دهد تقاضا برای این رسانه اندک نیست. از اولین کاربردهای رادیو، فرستادن پیغام ها برای ناوگان های دریایی، به صورت تلگراف با استفاده از کد مورس بین کشتی ها و زمین بوده و اولین استفاده کننده ها شامل تکنگاران و ناوهای دریایی ژاپن و روسیه در طول جنگ توشیما در ۱۹۰۵ بوده است. رادیو برای انتقال دستورها و ارتباط بین نیروی ارتش و نیروی های دریایی در جنگ جهانی اول استفاده می شده، آلمانی ها از ارتباط رادیویی برای پیغام های سیاسی زمانی که کابل های زیر دریایی توسط بریتانیایی ها قطع می شد، استفاده می کردند. امریکا «اصول چهاره گانه»، رئیس جمهور وقت «وودرو ویلسون» را از طریق رادیو، در طول جنگ مخابره می کرد. برنامه های رادیویی از سال ۱۹۰۹، توسط «سن خوزه» از کالیفرنیا شروع شد، در دهه ۱۹۲۰ عمومیت پیدا کرد و در دهه ۱۹۳۰ همه گیر شد.

قبل از ظهور تلویزیون، برنامه های رادیویی فقط شامل اخبار و آهنگ نبودند و شامل درام، کمدی، نمایشنامه های گوناگون و بسیاری دیگر از سرگرمی های بودند.

